



Shaere.ir

«عزیز روز های رفته»

عزیز روزهای رفته ام، حرفی به دل داری؟

بگو بر دشت سرخ سینه ام غم را نمی کاری

دلی که پای عشقت مانده در دنیای پر تردید

غرورت را نکن حایل بگو که دوستش داری

خیالت می کشد در آسمان هر شبم چشمی

و دلخوش میشوم شاید تو هم از عشق بیداری

گل خوشبوی من، عطرت، هوارا میکند مست و

نباید سهم من باشد که در قلبم رود خاری

به روزم آفتابی و طلوعت می کند آغاز

دروم التهاب سرکش این میل تکراری

زلیخایی ترین احساس من دائم خریدار است

تو را یوسف ترین زیبای این آشفته بازاری

شبانگهان میان بسترت خالی نما جايم

ستاره، ماه می خواهد، تو ماهم می شوی؟ آری؟

ستاره فرخ نژاد^۱

